

# گزارشی از:

# سفر هیأت علمی ایران

# به هامبورگ آلمان

هامبورگ بدلیل مفید بودن مباحث این میزگرد، تلخیصی از آن را تقدیم مریان و معلمان گرامی می نماید.

- محورهای انتخابی بحث در میزگرد علمی - فرهنگی
- \* انسان از دیدگاه اسلام
- \* رابطه دین و سیاست و نقد سکولاریسم
- \* رابطه فرد و دولت براساس مفهوم آزادی
- \* مفهوم غرب زدگی و مدرنیسم از دیدگاه متفکران اسلامی

• معرفی اعضاء شرکت کننده در میزگرد

### \* اعضای هیأت ایرانی

- ۱ - آقای دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۲ - آقای دکتر عبدالکریم سروش عضو انجمن فلسفه و حکمت
- ۳ - آقای موسوی بجنوردی رئیس و عضو هیأت علمی دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- ۴ - آقای دکتر محقق داماد مدرس حقوق و فلسفه و عضو هیأت علمی دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- ۵ - آقای مجتهد شبستری عضو هیأت علمی دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- ۶ - برادر رحیم عابدان زاده سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در هامبورگ
- ۷ - برادر علیرضا ریانی مسئول دفتر برنامه ریزی و هماهنگی تبلیغات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۸ - برادر آذری پور عضو روابط فرهنگی وزارت امور خارجه

### \* اعضای هیأت آلمانی

- ۱ - پروفیسور اشتاین باخ رئیس مؤسسه شرق شناسی هامبورگ و مسئول برگزاری گردهمایی

کنفرانس ها و مجامع علمی تشکیل گردیده و بارتاب وسیع و بسیار خوبی در میان محققین داشته است. در سال ۱۳۶۶ برای دومین بار بدعوت آقای پروفیسور اشتاین باخ - رئیس مؤسسه شرق شناسی هامبورگ - هیأتی از ایران به ریاست حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، وارد آلمان شدند و میز گردی علمی - فرهنگی پیرامون مسائل مذهبی و اخلاقی و تربیتی تشکیل دادند. واحد فرهنگی نمایندگی ایران در هامبورگ با تهیه و تنظیم مطالب مطروحه، جزوه ای تدوین و نسخه ای از آن را به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش ارسال نموده است.

ماهنامه تربیت ضمن سپاسگزاری از سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در

### مطلع

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، استکبار جهانی جهت پیشگیری از گسترش و صدور آرمانهای انقلاب، تهاجم وسیع تبلیغاتی خود را آغاز کرد تا ملتها را نسبت به این نهضت عظیم دینی و فرهنگی بدبین نماید. اقا علیرغم تلاش های مذبحخانه دشمنان اسلام، افکار متفکرین و محققین آزاده دنیا به این حرکت بزرگ و مبانی فرهنگی و اعتقادی آن معطوف و متعاقب آن مجالس و کنفرانس هایی بمنظور شناخت ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی تشکیل گردید که نقش مؤثر و چشمگیری در آشنایی اندیشمندان دنیا نسبت به فرهنگ انسان ساز و متعالی اسلامی ایفاء نمود. در آلمان فدرال نیز پس از انقلاب اسلامی

- ۲ - فولکر نین هاوس استاد علوم اقتصادی در دانشگاه بوخوم
- ۳ - پترهاینه پروفسور در علوم اسلامی و استاد دانشگاه مونستر
- ۴ - هایکه دمن مسئول تحقیق و بررسی گزارشات روابط سیاحت فرهنگی کشورها در آلمان
- ۵ - گرهارد لوف استاد حقوق فلسفه در دانشگاه وین
- ۶ - یوهانس رایسز محقق در زمینه علم و سیاست
- ۷ - برت فراگر محقق ایران شناس در دانشگاه آزاد برلن غربی
- ۸ - ادیکا گلاسن اسلام شناس دانشگاه فرایبورگ
- ۹ - اشتپ پارت استاد علوم اسلامی در دانشگاه آزاد برلن غربی
- ۱۰ - توماس ترومل مشاور سفیر آلمان فدرال در تهران
- ۱۱ - هورست نادرکرانکه سرپرست برنامه فارسی رادیو کلن آلمان
- ۱۲ - ابرهارد کروگر عضو هیات علمی و مسئول زبان فارسی دانشگاه مونیخ

\* \* \*

ضمناً برادر محمد مقدم سرپرست مرکز اسلامی هامبورگ و آقای دکتر خیرالله مدرس زبان عربی و فارسی و ادبیات و تاریخ فرهنگ در دانشگاه فرایبورگ آلمان و آقای صنعتی گزارشگر اتحادیه خاورمیانه و خاور نزدیک و آقای علی عماری پزشک ایرانی الاصل مقیم آلمان و آقای دکتر فلاطوری اسلام شناس آکادمی علمی - اسلامی کلن آلمان نیز در این میزگرد شرکت داشته اند.

## ● سخنان آقای دکتر اشتاین باخ در طلیعه و آغاز کنفرانس

با عرض سلام صمیمانه، در آغاز جلسه مایلیم از تشریف فرمایی آقایان برای حضور در این میزگرد علمی - فرهنگی تشکر نمایم. این کنفرانس مکمل مباحث مطروحه در کنفرانس سال ۱۹۸۶ است که با هیأت

ایرانی به سرپرستی آقای دکتر احمدی در آلمان داشتیم. همانگونه که مطلع هستید، فرم جدیدی از یک اصل مذهبی در ایران به سیاست تبدیل شده است که در جریان یک انقلاب از صورت بافت فکری و ذهنی به تکامل رسیده و تبدیل به واقعیتی اجتماعی شده است.

از دیدگاه ما غربی ها سیر وقوع انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی ایران یک اعتراض آگاهانه علیه غرب گرایی است؛ علیه یک برنامه بخصوصی از تمدن غرب که ما هم در جمهوری فدرال آلمان زندانی آن هستیم و این فقط یک اعتراض نیست بلکه مخالفتی در مقابل برنامه ای بود که ما آنرا در نزد خود واقعیت بخشیده بودیم و سعی شده بود که در بخشهای وسیعی از دنیای اسلام نیز پیاده شود. «نآگاهی مردم آلمان از واقعیت انقلاب ایران» شکافی عمیق در روابط ما با شما ایجاد کرده است.

من عقیده دارم که مراکز گسترده در آلمان غربی، حداقل نمی دانند که چه اتفاقی در ایران افتاده است و نمی خواهند آن را بپذیرند. و این مسأله در حقیقت مرکز ثقل این بحث و این گردهمایی است. موضوع چیز کاملاً ساده ای است یعنی چگونه می توانیم ما از روی این گودال (حفرة) عبور نمائیم، چگونه از این جبهه گیری که خود نیز به یک نوع و یا به صورت دیگر درگیر آن هستیم، بیرون بیائیم؟ و زمانی که من این سؤال را مطرح می کنم در حقیقت از واقعیت مسلمی پرده بومی دارم که همه ما آن را می دانیم. بهتر بگویم همان چیزی که مجموعه جهان، جامعه ملل، کشورها، دولتها و یا به شکل کاملاً ساده، جوامع بشری را امروزه بگونه ای درآورده که آنرا تقریباً غیرممکن و یا حتی کاملاً دور از دسترس قرار داده است.

مبادله دائمی که از طریق وسائل ارتباط جمعی صورت میگیرد، مارا وادار می کند که خود را از این عدم آگاهی خارج نمائیم و در اینجا من به عنوان فردی که به فرهنگ غرب و به معنویات آن تعلق دارد،

اعتراف می کنم که غرب مسئله را برای خودش مشکل می کند.

به گمان من اکثریت مردم ما بر این عقیده اند که آنچه در ایران واقع شده است یعنی قیام علیه تمدن غرب و با نام اسلام و زیر چتر مذهب یک برگشت به عقب یا زمان قرون وسطی می باشد. من فکر می کنم که این تفکر و احساس غربی واقعیتی است که اکنون وجود دارد. ولی در جمهوری اسلامی نیز یک جبهه گیری مقابل پا گرفته است؛ یک رویارویی با غرب که غرب را در اصل رد می کند و بیشتر تمایل دارد که به جای همکاری با غرب آن را در جبهه مقابل خود ببیند، از طرف دیگر جمهوری اسلامی نیز باید به زودی از مسیر جبهه گیری و رویارویی خارج شده و قدم به جاده همکاری گذارد، البته بدون آنکه اصول مذهبی را کنار بگذارد.

## آقای عابدان زاده

با سلام و درود به همه عزیزان شرکت کننده در سمینار و با تشکر از آقای دکتر اشتاین باخ که سهم زیادی را در برپائی این سمینار داشته اند، مطالب خود را آغاز می کنم. ما معتقدیم که در پرتو و با تکرار چنین جلساتی می توان به توسعه روابط دولت و دو کشور بویژه در زمینه های فرهنگی امید داشت. در جهانی که سیاست بر همه ارکان روابط انسانی سایه افکنده است، طبیعی است که روابط فرهنگی جایگاه واقعی خود را در تعمیق روابط ملتها و در نزدیکی اندیشمندان و در شناساندن زوایای فکری بیابد. اگر چه قوام و دوام روابط سیاسی بین دولتها میتواند زمینه خوبی جهت راهگشایی بیشتر حرکت های فرهنگی گردد ولی نقش فرهنگ بعنوان مبنا و منشاء اصول سیاستهای مختلف، غیر قابل انکار است.

انقلاب اسلامی ایران مفتخر است که جوهره فرهنگی الهی، اسلامی و انسانی داشته و پیام آن همانند انگیزه هایی که به ملت مسلمان ایران و مسلمانان جهان داده است، رنگ و بوی چنین فرهنگی را دارد. انقلاب اسلامی ایران که توانسته است

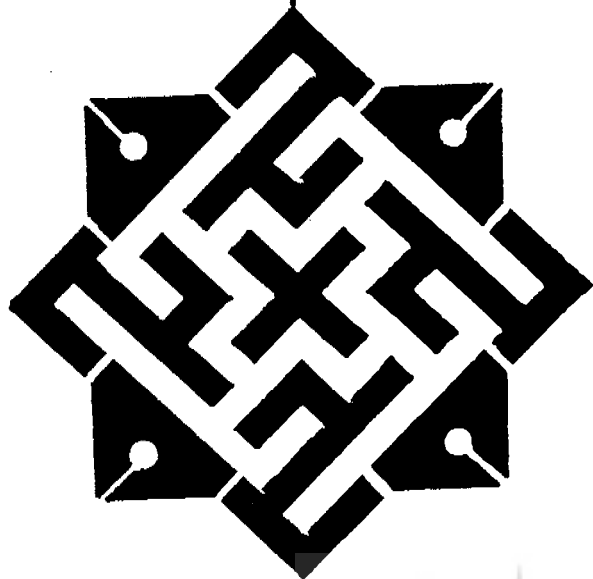
ظالمترین رژیم دست نشانده در خاورمیانه را در نیمه دوم قرن حاضر سرنگون نماید، تنها یک شور سیاسی - ملی بر علیه حکومتی خون ریز نبود بلکه اعتراض ملتی بود که ارزشهای انسانی و فرهنگ اسلامی خود را پایمال شده می دید و شاید مهمترین سبب دشمنی جهانخواران با این انقلاب و مردم آن، همان اسلامی بودن فرهنگشان است که با پیام خود، انسانها را به هوشیاری و شناختن ارزشهای انسانی و تلاش در راه رسیدن به آنها دعوت می کند. خوشبختانه بدلیل عدیده ای ملت آلمان و ایران فرهنگ و تاریخ یکدیگر را خوب می شناسند و امیدواریم که نشست های مکرر اندیشمندان نتایج مطلوبتری را در تعمیم روابط میان دو ملت ایران و آلمان در همه ابعاد آن داشته باشد. ترجمه آثار حافظ، مولوی، جامی و گزینش سبکهای ادبی ایران و بالاخره تدریس زبان فارسی از سالها پیش در اکثر دانشگاههای بزرگ آلمان، همه و همه مؤید علاقه مندی وافر ملت آلمان به ایران بوده است. هر چند ممکن است محافل و انجمنهای علاقه مند به ایران بخاطر جوسازیها و انحراف افکار عمومی توسط سیاستهای غیرانسانی رونق سابق را نداشته باشند، اما دوستان آلمانی همواره در برخوردها و ملاقاتها ابراز تمایل نموده اند که گامهای تازه ای در مبادلات فکری و فرهنگی با ایران برداشته شود. ما ضمن اجر نهادن به این علاقه مندی امیدواریم که این تحقیقات و این فعالیتها نتیجه های مثبتی را برای دو ملت ایران و آلمان بهمراه داشته باشد.

#### آقای دکتر احمدی

از جناب دکتر اشتاین باخ سپاسگزاریم که زمینه این ملاقات فرهنگی را - که سال گذشته آغاز شده بود - فراهم آوردند.

ما معتقدیم که مسائل فرهنگی اساس همه مسائل و ابعاد دیگر است در بین مجامع انسانی پاره ای سنتها وجود دارد که برای یک جمعیت دیگر ممکن است سخت ناخوشایند باشد و اگر بدانند که این چیزی

که اینها ناخوشایند می دانند برای خود آن جمعیت خوشایند و خوب است، واکنش نامطلوب نشان نمی دهند.



شناخت عقاید یک ملت بعنوان جزئی از فرهنگشان کاملاً ضرورت دارد. وقتی ما از محتوای عقیدتی، فلسفی، فرهنگی و سیاسی و ارزشهای ملت آلمان با خبر باشیم، براساس آنها با مردم آلمان برخورد و رفتار کنیم و طبیعی است که در اینصورت احترام متقابل محفوظ می ماند و همینطور این مسأله بر ملت آلمان نیز صادق است. اعتقادات ما یک اساس دینی است و در اسلام، انسان موجود مکرم و محترمی است. بنابراین با هر بینشی که داشته باشد، خواه مسلمان باشد و خواه غیر مسلمان نباید محترم شمرده شود چرا که دشمنی بی جهت در فرهنگ ما نیست. ما نمی دانیم علت مخالفت و ضدیت نظام مغرب زمین با اسلام چیست؟ اما طبیعی است که در ایران انقلابی صورت گرفته و ضد امپریالیسم و نظام سلطه ای بوده که سالها بر او حکومت نموده و در واقع تحقیرش کرده است. البته قدرت تبلیغاتی مغرب زمین، این نظام الهی را آنچنان که هست، نشان نمی دهد. با فاصله ای که بوسیله قدرتها و بکمک امکانات تبلیغی، اقتصادی و سیاسی بین مردم ایجاد شده، واقعیت همواره مکتوم

می ماند. مثلاً ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران در رسانه های غربی تحریف شده است.

موضوع پیشنهادی مورد بحث ما میانی مذهبی، اخلاقی و تربیتی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان است. بنظرمان آمد که برای فهم میانی دینی، اخلاقی و همچنین مسائل مربوط به تعلیم و تربیت اصولاً بحثی راجع به ماهیت انسان داشته باشیم؛ انسان چیست؟

اول ببینیم که انسان از دیدگاه اسلامی چگونه موجودی است. بعد ببینیم موجودی با این خصوصیات چه صفاتی خواهد داشت و چه جهت گیری هایی خواهد داشت، اخلاقی چگونه باید باشد و تعلیم و تربیت و فرهنگش چگونه باید باشد. برای اساتید بزرگوار که با دین آشنایی دارند علی القاعده و بخصوص با توجه به معارف مسیحیت که با اسلام نقطه نظرهای مشترک فراوان دارد، این روشن است که انسان یک موجود فناپذیری نیست و در واقع برخلاف دید ماتریالیستی ایمرتال است. انسان موجودی است فناپذیر یعنی با مرگ از بین نمی رود و خداوند از آفرینش او غرض و غایتی داشته است. (هر چند این غرض و غایت برای خود خدا نباشد بلکه برای سعادت و لطف نسبت به همان موجود باشد) درینش دینی انسان مخلوق مکرم و برگزیده

خداوند است. موجودی است که با مرگ از بین نمی‌رود و پس از مرگ باقیست و در آن حیات پس از مرگ هم سعادت و شقاوتی دارد، همانگونه که در این زندگی هم سعادت و شقاوتی دارد. طبعاً سعادت و شقاوت او بوسیلهٔ وحی و نبوت و به احکام صریح و روشن عقلی بیان می‌شود و به اعتقاد ما وحی و نبوت، مکتب جامعی است که جزئیات بسیاری از مسائل را هم روشن کرده؛ چه مسائلی که مربوط به این زندگی است و چه مسائلی که مربوط به عالم پس از مرگ انسان است (معاد). بسیاری از این دستورها و احکامی که دین داده است نه تنها کاملاً با مسائل عقلی منطبق است بلکه می‌شود گفت همه‌شان توجیه عقلانی دارد، منتها عقل صحیح و سلیم و فطری با این احکام انطباق دارد بخصوص در مسائلی که مربوط به عبادت و بندگی و مسائلی که مربوط به سعادت بعد از مرگ انسان است و عقل آدمی از فهم آنها عاجز است (چون راهی به آن عالم ندارد). دین در آن زمینه دستورهایی دارد که ما نمیتوانیم با استدلال عقلی آنها را دریابیم، جز اینکه بگوئیم پیغمبر صادق بوده و سخنی که فرموده است مورد قبول ماست و در بسیاری موارد هم احکام دینی منطبق است با قوانین و استدلالهای عقلانی.

بهر حال ما انسان را چنین موجودی میدانیم و طبیعی است که این بینش اخلاقی - دینی برای دیگران قابل توجیه نباشد. بسیاری از دستورهائی که ما داریم مربوط میشود به عبادت و عبادت طبعاً در مکتب‌های الحادی و غیر دینی معنی و مفهومی نخواهد داشت. در روابط اجتماعی ما به انسان با یک دید دیگری می‌نگریم؛ همانطور که گفتیم انسان یک موجود مکرم و محترم و برگزیدهٔ خداوند است، حتی اگر بی‌دین هم باشد باید با او با این چشم تکریم و احترام نگاه کرد و این بینش با بینش غیردینی کاملاً تفاوت دارد. در روابط خانوادگی، فامیلی، روابط همسری، معاشرت و عموم روابط اجتماعی این بینش حاکم است. لذا اصل اساسی این است که

انسان موجود مکرم و برگزیده خداوند است و برای او مسدئی است که از آفرینش او غرض و غایتی در نظر داشته که این غرض و غایت هم برمی‌گردد به سعادت انسان در این دنیا و سعادت او در عالم بعد از این دنیا و این موجود موجودی است باقی، پایدار، فناپذیر و پیامبران هم دستورهایی برای سعادت او داده‌اند که هم مایهٔ تأمین سعادت این جهانی اوست و هم مایهٔ تأمین سعادت آن جهانی و این احکام ممکن است در پاره‌ای از موارد با احکام عقلی کاملاً قابل توجیه نباشد، گرچه در اصل هست اما ما جزئیات را نمی‌توانیم دریابیم و مخالفت اساسی وجود ندارد. این در واقع انسان‌شناسی ماست و همانطور که در مسیحیت این بینش حاکم است و با مکتبهای غیردینی کاملاً این را جدا کرده است. بهر تقدیر اگر انسان‌شناسی را مورد بحث قرار دهیم، مطلع خوبی برای میزگرد بحث ماست.

#### آقای دکتر خیراله

چرا باید انسان جاوید باشد تا اینکه مورد احترام قرار گیرد و چرا اگر انسان به خدا و زندگی بعد از مرگ معتقد نباشد، نمیتواند به اندازه کافی مورد احترام قرار گیرد؟

#### آقای دکتر احمدی

گفتم که این یک بعد قضیه است، نگفتم که قابل احترام بودنش بستگی دارد به ابدی بودنش ولی طبیعی است اگر موجودی ابدی باشد، قابل احترام تر است تا اینکه فناپذیر باشد. البته نمی‌خواهم بگویم که اگر ابدی نبود، محترم نیست. اما این طبیعی است که موجود خلیفهٔ الله و پایدار از احترام بیشتری برخوردار است تا اینکه موجود فناپذیر باشد. و البته احترام یک دیندار با احترام یک غیرمؤمن نسبت به انسان تفاوت دارد.

#### آقای بجنوردی

در مورد سؤالی که مطرح شد (چرا باید

انسان ابدی باشد تا مورد احترام باشد) مطلبی به نظر رسید که لازم است در اینجا گفته شود؛ ما از لحاظ دید اسلامی به ارزشهای مطلق باور داریم که اگرچه اسلام این ارزشها را بطور مطلق به ما القاء می‌کند. ولی در فهم ما در هنگام عمل نسبی می‌شود. بنابراین این انسان فناپذیر است که می‌تواند با این ارزشهای مطلق در واقع بهای بیشتری پیدا نکند. کسی که از لحاظ جهان بینی به ارزشهای مطلق باور ندارد، یا به مکتب وحی باور ندارد، طبیعی است که صرفاً در تار و پود یکسری ارزشهای نسبی - که به باور من یکی از گرفتاریهای غرب نیز همین امر است - درگیر میشود و این مایه‌های اصیل انسانی را که اسلام به آن باور دارد، از دست میدهد. پس تفاوت بین فناپذیری و فناناپذیری از لحاظ جهان بینی در این قسمت است.

#### آقای دکتر سروش

در مسئلهٔ احترام نهادن به انسان بدلیل ابدی بودن او، کلمهٔ احترام را بهتر است که با غمخواری عوض کنیم یعنی بگوئیم که غم چه موجودی را باید خورد و در کجا تلاش ما عبث و در کجا سودمند خواهد بود. طبعاً اگر موجودی فناناشدنی باشد، اعم از اینکه آن موجود خوب یا بد باشد، شرور یا نیکو خصال باشد، در هر دو حال بدلیل اینکه ماندنی است، نیرویی را که ما صرف او می‌کنیم و غم او را می‌خوریم (چه در جهت تکمیل او و چه در جهت اصلاح و بهبود بخشیدن به او) کار خردمندانه‌ای است. اما اگر موجودی از بین رفتنی باشد، محرک آدمی برای پرداختن به او و غمخواری او محرک کم‌نیروی خواهد بود. از نظر فلسفی همهٔ موجودات به یک معنی فناپذیرند. دست کم به لحاظ فلسفهٔ اسلامی چنین است، یعنی نه تنها آدمی می‌ماند و از بین نمی‌رود، ماده هم می‌ماند و از بین نمی‌رود. ما یک قاعدهٔ فلسفی داریم که هر چه در وجود آمد از وجود بیرون نمی‌رود. «كُلُّمَا دَخَلَ فِي الْوُجُودِ لَا يَخْرُجُ عَنِ الْوُجُودِ» لذاتس

گردهمایی اعضای شوراهای بررسی مسائل تربیتی استان سیستان و بلوچستان در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۶۷ برگزار گردید. در این گردهمایی حجة الاسلام معادی مسئول هسته مشاوره تربیتی استان به تشریح عملکرد هسته مشاوره استان در سال گذشته و سال جاری پرداخت و نیز آقای دکتر مظلومی درباره چگونگی ارتباط مربیان با دانش آموزان و کشف و رنج مشکلات آنان سخنرانی مبسوطی ایراد نمود. این گردهمایی با تشکیل میزگردی جهت پاسخ به سئوالات اعضاء با صدور قطعنامه‌ای در تاریخ ۲۸ مهرماه به کار خود خاتمه داد.

### فائمه

● اداره آموزش و پرورش منطقه کهمیره فائمه واقع در استان فارس طی برگزاری جلسه‌ای با شرکت برادر عظیمی معاونت پرورشی استان و اعضای ستادهای تربیتی منطقه، برنامه‌های تربیتی و فعالیتهای انجام شده در سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ را ارائه نمود.



### میزگرد علمی - فرهنگی ...

(از آن نظر که ماندنی است یعنی به لحاظ فلسفی غیرقابل زوال است) چندان مورد توجه نیست. آن مهم است که آدمی بداند و مطمئن باشد که زحمتی را که در پای چیزی می‌ریزد، از بین نخواهد رفت و چون آدمیان چنین اند (یعنی بنا بر تعلیمات مذهبی حیات جاودانه آدمی تضمین شده است چه افراد خوب و چه افراد بد) در هر دو حال به حیات خودشان ادامه خواهند داد و نه بصورت اجرایی برآکنده، بلکه با شخصیت انسانی شان باقی می‌مانند و هویتشان حفظ خواهد شد و هر سرمایه‌ای که در این جهان کسب می‌کنند در آن جهان هم با خودشان همراه خواهند داشت. لذا این نوع موجود، آدم را به خودش بیشتر متوجه می‌کند؛ می‌اندیشد که حالا که چنین کسی برای همیشه خواهد ماند بهتر است که به فکر او باشیم. اگر مستعد و شایسته است در بهتر شدن او کوشش کنیم، اگر به راه بدی می‌رود، در اصلاح مسیر او کوشش کنیم. برای اینکه جاودانه خواهد ماند. لذا دین با تأکید بر جاودانه بودن آدم، ملاک شایسته‌تری برای غمخواری نیست به بنی آدم در اختیار ما می‌گذارد، آدم اگر فکر کند که کسی دیر زود از بین خواهد رفت چندان به او توجه نخواهد کرد.

این مفهوم غمخواری اعم است از احترام گذاشتن و احترام گذاشتن البته در بطن او هم هست، مشروط باینکه مفهوم احترام را این بدانیم که کسی لیاقت این را دارد که ما به فکر او باشیم، به او پردازیم و نسبت به او اقدامی انجام بدهیم و از او بی‌اعتنا نگذریم.

### پروفسور اشتاین باخ

در اصل کاملاً روشن بنظر می‌رسد که آقای دکتر احمدی انسان را به طور کامل در یک رابطه مذهبی قرار داده است یعنی او را به عنوان بخشی از برنامه خدایی مطرح نموده

است و من عقیده دارم که در اینجا باید از دیدگاه غرب نیز اندکی پیرامون این موضوع صحبت شود و به اعتقاد من یک تفاوت اساسی میان انسان از دیدگاه غرب و انسانی که آقای دکتر احمدی از دیدگاه اسلام مطرح نمودند، وجود دارد. بنظر می‌آید که آقای دکتر سروش تا کنون راه حل مشخصی را ارائه داده باشند. ایشان اشاره کردند به آنچه انسان انجام می‌دهد یعنی ارزش انسان بر آن اساس که خوب یا بد رفتار نموده است، سنجیده می‌گردد. من فکر می‌کنم این یک قدم از آنچه آقای دکتر احمدی فرمودند فراتر می‌رود.

من بر این عقیده‌ام که یکی از موانع توسعه در غرب و اروپا رهایی انسان از مذهب است. البته این بدان معنی نیست که انسان علیه مذهب است.

مفهوم رنسانس در اروپا رهایی انسان از مذهب است و در این دیدگاه انسان سعی می‌کند که دنیا، حکومت، جامعه، علم و تکنیک را تا اندازه‌ای در دست بگیرد و اداره نماید البته بدون وابستگی مذهبی و این همان چیزی است که ما آن را به عنوان رنسانس مد نظر قرار می‌دهیم. همواره گفته می‌شود که اسلام هیچ رنسانسی نداشته است و همین مسئله آن را به طور اساسی از غرب که در آن رنسانسی بوجود آمده است و سپس از طریق روشنفکری که از قرن ۱۹ به بعد در عصر علوم طبیعی وارد شده است - منفک می‌نماید. این درک و تفسیر و تحلیل من از این موضوع بود و به اعتقاد من جهش مهم و اساسی که غرب در این اواخر داشت، مربوط به علوم طبیعی و تکنیک جدید می‌باشد و توسعه علوم طبیعی و تکنیک رابطه بسیار عمیقی با رهایی انسان از مذهب دارد و شاید خوب بود اگر این امر از طرف اروپائیا و غربیها می‌توانست عمیق بشود و من خیلی مایل بودم که بدانم همکاران ایرانی ما در این مورد چه می‌گویند و آنرا چگونه می‌بینند. و در مورد رابطه اسلام، مذهب از یک سو و علم و علوم طبیعی از سوی دیگر چگونه می‌اندیشند.

همین واقعیت است: «یا من فی البر و البحر سبیله، یا من فی الآفاق آیاته، یا من فی الآیات برهانه، یا من فی الممات قدرته، یا من فی القبور عبرته».

... ای پروردگاری که قبور و گورستان‌ها را عبرتگاه خود قرار داده‌ای... و اما جایگاه دیگر من نزد دل‌های شکسته است. مؤمن به ظاهر بشاش است؛ می‌گوید و می‌خندد، اما دل او با خداست و قلب او شکسته.

— خدایا به من چه دادی؟ و با من چه خواهی کرد؟

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «لینتی لم تلدنی امی ولینتھالم ترجینی». ای کاش از مادر زاده نمی‌شدم و بدین دارفانی بنای نمی‌نهادم. خداوند! در پی ایجادم هزاران مسئولیت پیدا کردم.

برادران عزیز، دوستان گرامی! بکوشید به تقوای واقعی دست یابید و سعی کنید از شما گناهی سرتنزد. علی علیه السلام می‌فرماید: اگر ثوابتان کم است مانعی ندارد؛ بذر گناه را در زرفنای جان خویش مپاشید. اگر درختی را در باغی نشانند، آن درخت رشد کرد و میوه آورد، میوه‌های خوب و درشت و معطر و لذیذ را باغبان می‌پسندد هر چند کم باشد و میوه‌های نارس

و بی‌عطر و طعم را بدور می‌ریزد، هر چند فراوان و وافر باشد.

برادر عزیز! اگر آفت گناه در ریشه جان تو رخنه نکرده باشد، عمل اندک تو بسیار زیبا جلوه خواهد کرد و در نزد امام زمانت تو را سرافراز و سر بلند خواهد نمود. اما اگر خدای ناکرده بی‌مهابا به انجام گناهان مبادرت ورزی، ثوابهای تو نیز سودی به دنبال نخواهد داشت: «و رب صلاة تلف فی خرقه و تضرب وجه صاحبها». چه سانمازهایی که انسان می‌خواند اما آن را همچون کهنه‌ای درهم می‌پیچند و بر سر صاحب آن فرود می‌آورند. خطاب می‌رسد که این نماز نیست که تو خواندی! دلت کجا بود؟ تو تکبیر و حمد می‌گفتی، به رکوع و سجود می‌رفتی اما فکرت جای دیگری بود.

دوستان! اعمالتان را خالص کنید، نمازهایتان را درست بخوانید و اعمالتان را هر چند کم و اندک باشد با روح انجام دهید بکوشید گناه در بین شما نباشد. خدا می‌داند وضع روحی ما چگونه که باید باشد نیست و این مرض، درمانی ندارد جز اینکه در کسب تقوی بکوشیم و با ائمه طاهرن و احادیث و روایات آنان زیاد ارتباط داشته باشیم.

«یا اولیاء اللہ، کلامکم نور و امرکم رشد». ای دوستان خدا! سخن شما نور است و در افر شما رشد و تکامل نهفته است.

من خود از زمانهای دور که در حوزه سیوطی و جامی تدریس می‌کرده‌ام، این سفارش را ترک نکرده‌ام. اگر احادیثی را که من در هنگام شروع درس گفته‌ام جمع کنند از چند دوره اصول کافی افزونتر است. اگر چه خود بجایی نرسیده‌ام. اما وظیفه‌ای است که عمل کرده‌ام. بکوشید شاگردانتان را تربیت اخلاقی کنید. آنگاه که من تازه وارد حوزه علمیه شده بودم و معالم می‌خواندم، استادی داشتیم که گاه در هنگام درس برخی از مطالب اخلاقی را مطرح می‌کرد آن چنان این مسائل در روح من اثر می‌گذازد که شاید از مجموع درس نافعتر جلوه می‌کرد.

خطاب به اهل بیت بگویید: «یا اولیاء اللہ، ان ینی و بین اللہ ذنوبا لایاتی علیها الارضاکم». ای اولیاء خدا من در نزد خدا بسیار گناهکار و روسپاهم و نامه اعمالم چنان مسود است که فقط رضایت شما می‌تواند قلم عفوبر آنها بکشد.

ای بنندگان شایسته خدا! شما را به خدایی که اسرار خود را در قلب شما به ودیعت گذارده، ما را شفاعت کنید و بر خطایای ما با دیده اغماض بنگرید.

### پی‌نوشتها:

۱- سوره انفال، آیه ۲۹

۲- سوره بقره، آیه ۲۹۰

معرفی افراد برتر شرکت کننده در:

## مسابقه ماهنامه تربیت سال ۶۷

مقدمه

در سال تحصیلی ۶۷ - ۱۳۶۶ از متون مجلات ماهنامه تربیت و کتاب «تعلیم و تربیت اسلامی» استاد شهید مطهری مسابقه‌ای تحت عنوان «تربیت» بین اعضای ستادهای تربیتی طی دو مرحله (مرحله اول بین ستادهای هر منطقه و در مرحله دوم بین برگزیدگان مناطق هراستان) برگزار شد و نهایتاً از هراستان سه نفر (یک مدیر، یک مربی و یک معلم) برگزیده شدند که ۱۰ نفر از میان افراد برتر به سفر زیارتی سوریه اعزام و بقیه مشمول دریافت جوایزی از سوی معاونت پرورشی می‌گردند.

مدیریت تحقیقات و آموزش امور تربیتی

خدایاری	۲- نریا	
مهیدیان	۳- عبدالرضا	
	● باختران	
حمزه‌ای	۱- مهوش	
رستمی	۲- محمود	انگیز
نادرزاده	۳- نریا	حمدی پور
	● پوشهر	حمدی پور
آزادشهرکی	۱- زهره	
طهماسی	۲- زهرا	رحیمی
حباتی	۳- غلامرضا	رحیب‌زاده
	● تهران	پناهی‌نیا
دزم	۱- غلیبه	
فضاری	۲- فرزانه	شمس
توسلی	۳- سیندخت	نعلبجان
	● چهار محال و بختیاری	ربحانی
ظفری	۱- آتوشیوان	
دھان	۲- گیتی	نعتی

### ● آذربایجان شرقی

۱- فرح

۲- فاطمه

۳- عاطفه

### ● آذربایجان غربی

۱- ناصر

۲- مهین

۳- محمد

### ● اصفهان

۱- غلیبه

۲- فریبا

۳- عسرو

### ● ایلام

۱- کبری